

غلامعلی رجایی نیز در یادداشتی به نقل از دختر و نوه امام (ره)، خاطره پروین احمدی نژاد را رد کرد.

بیت امام (ره) سخنان آیت الله هاشمی را تایید کرد؛



به گزارش اسپادانا، پروین احمدی نژاد در خاطره خود چنین نوشته بود: «خرداد سال ۸۵ در سالروز وفات حضرت امام خمینی (ره)، دکتر احمدی نژاد به اتفاق چند نفر دیگر از جمله اینجانب، به منظور دیدار با همسر مکرمه حضرت امام در جماران حضور یافتند. خانم در مقابل خدمه و پرخی از اعضای خانواده، خوشحالی خود را از انتخاب دکتر اینگونه ابراز کردند که در زمان انتخابات گفته بودند اگر دکتر رأی بیاورد، شیرینی انتخاب، مهمان من باشید و هرچه می خواهید غذا از بیرون تهیه کنید. ایشان می گفتند به خادمه منزل گفته ام تلویزیون را برای من فقط در صورت سخنرانی دکتر و یا مقام معظم رهبری روشن کنید.» لیلی بروجردی اما درباره این خاطره چنین گفته است: «پس از اینکه او رئیس جمهور شد، با همسرش غروب به ملاقات خانم آمد. خانم خیلی صریح به ایشان گفت من به شما رأی ندادم، البته من به آقای هاشمی رأی داده ام و شما را نمی شناسم. شما هم جوان هستید و آن شاء الله بتوانید به کشور خدمت کنید. این همه ماجرای دیدار ایشان با خانم بود.» متن کامل یادداشت غلامعلی رجایی در ادامه می آید: این روزها بعد از حرف هایی که آقای هاشمی در هفته گذشته در مراسم سالگرد و بزرگداشت بانوی امام، خانم خدیجه ثقفی زد، حملات تبلیغی رسانه های دلوپسان نسبت به حقیقت های تاریخی که ایشان گاه و بیگاه مطرح می کنند - و می دانند پس از طرح آنها مورد آماج حملات بعضی که طرح این مسائل را به نفع خود و جناح و منافعیان نمی دانند قرار خواهد گرفت و در عین حال با شهادت حرفشان را می زنند والا هاشمی نیستند! - بسیار گسترده شده است. به نظر من رسید باید به این تهمت ها به این یار دیرین امام از دهه ۳۰ پاسخی داد. قبل از ظهر چهارشنبه لایه لای دو ملاقات، برای طرح مسئله و کسب نظر، خدمتشان رسیدم و لبخند زان گفتم: مثل اینکه این دفعه سیل حملات به شما خیلی دامنه اش بیشتر از قبل است! تبسم کنان گفتند: آره! ادامه دادم: حدس می زدید گفته های این تبعات را داشته باشد؟ با همان تبسم که حالتی بالاتر از تحمل نسبت به این همه اهانت در آن دیده می شد و پیدا بود باران اهانت و بی انصافی و تهمت بعضی ها را به هیچ نگرفته اند، گفتند: حرف ها، راه خودش را پیدا کرده و می کند. نیازی نیست. از خدمتشان مرخص شدم و با خود گفتم چگونه در این باران تهمت به ایشان که از استوانه های اصلی انقلاب و نظام است برای نقل یک خاطره تقریباً غیرمهم که از همسر امام نقل کرده اند - که در سال ۸۴ به ایشان گفته است چرا در انتخابات ریاست جمهوری نام نویسی نمی کنید - متهم به دروغ شده است، می شود ساکت ماند؟ حدس می زدم هرچند در صداقت هاشمی تردیدی نیست اما برای اسکات تهمت زندگان باید نظر و شهادت دیگری از بیت امام را که علی القاعده در این ملاقات حضور داشته اند جویا شوم. دست به کار شدم تا با استفاده از روابطی که با بیت محترم امام داشته و دارم درباره جزئیات این خاطره جست و جوی کنم. از سرکار خانم فاطمه هاشمی شماره تلفن خانم لیلی بروجردی - نوه گرامی امام - را پیدا کردم که شنیدم هم در آن جلسه و هم در ملاقات احمدی نژاد و همسرش با خانم حضور داشته است. ساعت ۹:۴۵ دقیقه شب به نوه گرامی امام خانم لیلی بروجردی تلفن زدم و گفتم هرچند آقای هاشمی گفته اند نیازی به پاسخ به این اهانت ها و تهمت ها نیست ولی برای درج در تاریخ و افشای تهمت تخریب گرانی که منتظرند ایشان چیزی بگوید تا همه با هم به نفی آن بپردازند، قصد دارم در این باره از زبان شما حقیقت امر را بیان کنم. گفت: اتفاقاً همسر من دکتر طباطبایی - برادر کوچک مرحوم دکتر صادق طباطبایی - هم الان می گفت آقای هاشمی این قدر بزرگ است که نیازی به دفاع از خود ندارد. گفتم نظر و شهادت شما به عنوان شاهد این قضیه مهم است. گفت: حاضر هستم مصاحبه کنم. پرسیدم: شما هم در این ملاقات بودید؟ جزئیات این ملاقات چیست؟ نوه گرامی امام ضمن تأیید گفته های آقای هاشمی گفت: آن شب من و دختر خردسالم و مادر من در خدمت خانم امام بودیم. خانم، میهمان داشتند. غروب که میهمانان رفتند و هوا تاریک شد جناب آقای هاشمی و خانمشان به منزل امام آمدند. وقتی آقای هاشمی و خانواده تشریف آوردند، پس از احوالپرسی متعارف، خانم به ایشان گفت شما نمی خواهید برای ریاست جمهوری اسم نویسی کنید؟ آقای هاشمی گفتند: نه، من چنین قصدی ندارم. افرادی

هستند و من هم کمکشان می‌کنم. خانم خیلی محکم به آقای هاشمی گفتند: آقا- امام- به امید شماها بودند. شما می‌خواهید این مملکت و این انقلاب را به دست کی‌ها بسپارید؟ شما اینها را می‌شناسید؟ بعد از این جملات آقای هاشمی گویی یکه‌ای خوردند و برای لحظاتی سکوت سنگینی بر اتاق و جمع حاکم شد. چون اساسا خانم کم حرف می‌زد. بعد از دقایقی که آقای هاشمی و خانمشان رفتند، به خانم گفتم: خانم، شما چرا اینقدر فرص و محکم با آقای هاشمی حرف زدید؟ گفتند: برای این انقلاب دلم می‌سوزد. آخر من می‌دانم آقا - امام- چقدر برای این انقلاب خون دل خورد. انقلاب مثل بچه برایش عزیز بود. گفتم: تا به حال ندیده بودم اینقدر نگران درباره انقلاب حرف زده باشید و به شوخی گفتم معلوم می‌شود شما انقلاب را بیشتر از آقا - امام- دوست دارید! خانم بروجودی درباره ملاقات احمدی‌نژاد با همسر امام در سال ۸۴ هم گفت: پس از اینکه او رئیس‌جمهور شد با همسرش غروب به ملاقات خانم آمد. خانم خیلی صریح به ایشان گفت من به شما رای ندادم؛ البته من به آقای هاشمی رأی داده‌ام و شما را نمی‌شناختم. شما هم جوان هستید و ان شاء الله بتوانید به کشور خدمت کنید. این هم ماجرای دیدار ایشان با خانم بود. از خانم بروجودی تلفن مادرشان خانم زهرا مصطفوی را گرفتم. چون دیروقت بود صبح پنجشنبه ساعت ۱۰ صبح به دختر گرامی امام تلفن زدم و ماجرا را پرسیدم. گفتند: بله، من در آن ملاقات حاضر بودم. دخترم لیلی هم بود. من در آن جلسه این جمله را از خانم شنیدم که به آقای هاشمی گفتند: آقا این انقلاب را به شما سپرده است. چرا شما می‌خواهید کنار بکشید. این، همه ماجرا بود. نیازی به راست‌آزمایی گفته‌های هاشمی نبود اما بهتر بود حقیقت آشکار شود. اما دو نکته پیداست منتقدان با هدف رویگردانی مردم از هاشمی به وی تهمت دروغ می‌بندند و آخرت خود را تباه کرده و می‌کنند و آب در هاون می‌کوبند. چون بالاخره دیر یا زود خورشید حقیقت خود را از پس ابرهای تیره تهمت و اتهام نشان خواهد داد و مردم هم نشان داده‌اند این گفته‌ها را باور نمی‌کنند. دلوایسان به جای اینکه به منافع انقلاب و نظام بیندیشند و از محبوبیت یاران امام در بین مردم خوشحال باشند، نگران محبوبیت هاشمی- که معلوم است با منافع جناحی‌شان در تضاد است- در میان مردم هستند! خوشبختانه این محبوبیت رو به تزاید است. منتقدان و مخالفان هاشمی که به هر بهانه به دنبال تخریب ایشان هستند، امیدوارم حال که حقیقت ماجرا از سوی دختر ارجمند و نوه گرامی امام روشن و معلوم شد هاشمی برخلاف ادعای آنان خلاقی به مردم و تاریخ نگفته است این‌قدر شهادت داشته باشند که: اولاً از دروغی که به یک مؤمن بسته و آن را رسانه‌ای هم کرده‌اند - و حرمت آن را نزد حق تعالی می‌دانند توبه و طلب حلیت نمایند. ثانیاً از تهمت دروغی که به هاشمی زده و تکرار کرده‌اند در پیشگاه ملت و تاریخ عذرخواهی کنند و فرمایش رسول گرامی اسلام در آخرین روزهای عمر مبارکش که صلوات بی‌منت‌های خدا بر او و آل پاکیزه‌اش باد: زنهار، رسوایی دنیا به مراتب کمتر از رسوایی آخرت است.

برچسب ها: [آیت الله خمینی](#) [1]